

هو العليم

تبيين اختلاف اساسی میان عامه و شيعه بر اصول شريعت

حضرت علامه آيت الله سيد محمد حسين حسيني طهراني

امام شناسی، جلد ۹



بسم الله الرحمن الرحيم

مقاله پیش رو گزیده ایست از فرمایشات حضرت علامه آیت الله سید محمد حسین حسینی طهرانی در کتاب شریف امام شناسی که در آن به تبیین اختلاف اساسی میان عامه و شیعه بر اصول شریعت پرداخته اند

نزاع شیعه با عامه، در اصول شریعت است

اشکال ما با شما در اصول است! در اصل ولایت است! در غاصبیت خلفای سه گانه است. در مخالفت آنها با نص قرآن است. در ایداء و آزار رسول الله است. در انکار حق بعد از شناسائی و عرفان است.

شیعه می گوید: ما نمی توانیم نص صریح قرآن را نادیده بگیریم و از اخبار صحیحه مستفیضه ای که خود اهل سنت در کتب خود آورده اند، رفع ید کنیم. و این قرآن و این سنت رسول اکرم، ما را امر می کند که از ابو بکر و عمر و عثمان تبری بجویم. قرآن ایشان را مورد لعنت خداوند، و عذاب مهین قرار داده است. ما چگونه مخالفت قرآن کنیم!؟

شیعه می گوید: علمای بزرگ شما همانند بخاری و مسلم و غیرهما روایت کرده اند^۱: چون رسول

^۱ «صحیح بخاری»، طبع مطبعه امیریه، بولاق سنه ۱۳۱۲ هجریه با اسناد خود از عروه بن زبیر از عائشه روایت می کند که: «إنَّ عائشة أخبرته أنَّ فاطمة عليه السلام ابنة رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم سألت أبا بكر الصديق بعد وفاة رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم أن يقسم لها ميراثاً مما ترك رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم مما أفاء الله عليه. فقال لها أبو بكر: أن رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم قال: لا نُورث ما تركناه صدقةً فَعَضِبَتْ فاطمة بنت رسول الله صَلَّى الله عليه وآله وسلم فَهَجَرَتْ أبا بكر فلم تزل مهاجرة حتى توفيت. ج ٤، ص ٧٩، باب فرض الخمس، و نیز بخاری در همین طبع ج ٥، ص ١٣٩ باب غزوة الخيبر آورده است که چون فاطمه تقاضای ارث خود نمود: فأبى أبو بكر أن يدفع الي فاطمة منها شيئاً فَوَجَدَتْ فاطمة على أبي بكر في ذلك فَهَجَرَتْه فلم تكلمه حتى توفيت و عاشت بعد النبي صَلَّى الله عليه وآله وسلم ستة أشهر فلما توفيت دفنها زوجها على عليه السلام و لم يؤذن بها أبا بكر و صَلَّى عليها. و نیز بخاری در همین طبع، ج ٧، ص ٣٧ در باب ذب الرجل عن ابنته في الغيرة و الانصاف، آورده است که رسول خدا صَلَّى الله عليه وآله وسلم فرمود: فاطمة بضعة مني يريني ما أرايها و يؤذيني ما أذاها. و ابن قتيبة دینوری متوفی در سنه ٢٧٠ هجری در کتاب «الامامة و السياسة» در طبع مطبعة الامه بدر ب شغلان سنه ١٣٢٨ هجریه در ص ١٤ و ص ١٥ آورده است که: فقال عمر لابي بكر انطلق بنا الى فاطمة فإننا قد أغضبناها! فانطلقا جمعياً فاستأذنا على فاطمة فلم تأذن لهما فأتيا علياً فكلماه فأدخلهما عليهما. فلما قعدا عندها حوَّلت وجهها إلى الحائط فسَلَّما عليها فلم ترد عليهما السلام

خدا رحلت کرد، فاطمه به نزد ابوبکر فرستاد، و طلب میراث خود که از پدرش رسیده بود از فدک، و از ما بقی خمس خبیر نمود. ابو بکر امتناع ورزید که چیزی به او برگرداند. فاطمه بر ابو بکر خشمگین شد، خشم شدیدی و از او دوری گزید، و با او سخن نگفت، تا در حال خشم و غضب بر او از دنیا رفت.

و از طرفی دیگر ائمه حدیث و بزرگان شما همچین مانند کتاب الجمع بین الصحیحین حمیدی روایت می کنند که رسول خدا فرمود: **فاطمة بضعة منی يؤذینی من آذاها**؛ فاطمه پاره گوشت من است، اذیت می کند مرا هر کس او را اذیت کند.

شیعیان این دو حدیث را می گیرند، و صغری و کبرای شکل اول قیاس برهانی قرار می دهند، و می گویند: ابو بکر آذی فاطمة علیها السلام، و من آذی فاطمة آذی رسول الله.

«ابو بکر، فاطمه را اذیت کرد، و هر کس فاطمه را اذیت کند، رسول خدا را اذیت کرده است» و نتیجه گرفته می شود که:

« ابو بکر آذی رسول الله »؛ ابو بکر رسول خدا را اذیت کرده است.

و چون در قرآن کریم وارد است:

﴿ان الذین یؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنيا و الآخرة و اعد لهم عذابا مهینا﴾. « احزاب آیه ۵۷»

« آنانکه خدا و رسول خدا را اذیت کنند، خداوند آنها را در دنیا و در آخرت لعنت می کند، و برای آنان

عذاب پست کننده و خواری آفرین مهیا می نماید

فعلی هذا مفاد آیه قرآن، کبرای قیاس دیگری می شود، که صغرای آن استنتاج شده بود:

«ابو بکر آذی رسول الله، و من آذی رسول الله لعنه الله فی الدنيا و الآخرة و اعد له عذابا مهینا.»

ابو بکر رسول خدا را اذیت کرد، و هر کس رسول خدا را اذیت کند، خداوند در دنیا و آخرت او را

فتکلم أبو بکر، و پس از اعتذار از اینکه فدک را به فاطمه برنگردانده است فقالت: أرأیتكما إن حدثتكما حدیثاً عن رسول الله علیه و آله و سلم تعرفانه و تفعلان به؟! قالوا: نعم! فقالت: انشدکما الله ألم تسمعا رسول الله یقول: رضا فاطمة من رضای و سخط فاطمة من سخطی فمن أحب فاطمة ابنتی فقد أحببنی و من أرضی فاطمة فقد أرضانی و من أسخط فاطمة فقد أسخطنی؟! فقالوا: نعم سمعناه من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قالت: فإنی أشهد الله و ملائکته: أنکما أسخطتمانی و ما أرضیتمانی و لئن لقیته النبی لاشکونکما الیه.

و در این حدیث تصریح است بر آنکه ابو بکر و عمر هر دوی آنها فاطمه را اذیت کردند، و فاطمه از آنها تبری جست و سلام آنها را جواب نفرمود. یعنی آنها را از اسلام خارج دانست، چون جواب سلام هر مسلمان شرعاً واجب است، و به آنها صریحاً گفت: شما مرا به غضب درآوردید و من از شما راضی نیستم و اینک که از دار دنیا بروم، شکایت شما را به رسول خدا می کنم.

لعنت می فرستد، و عذاب پست و ذلت بار برای او آماده می ساز.

بنابراین ابو بکر به نص صریح قرآن، مورد دورباش از رحمت، و مورد لعنت و نفرین خداوند است. عامّه با علم و وجدان، پیروی از خلفاء جور می کنند. در برابر این برهان، سنی ها چه می توانند بگویند؟! چون برهان است. خطابه و شعر و مغالطه و حتی جدل هم نیست، و مقدمات آن از مسلمات و یقینیات است. آیا می توانند بگویند: قرآن را که کبرای مسئله است، قبول نداریم! و یا صغرا را که در کتب معظم خود آنها همانند صحیحین آمده قبول نداریم؟ آنها فقط می گویند قرآن مسلم است، و احادیث صحیحیه مسلم است، و این احادیث هم صحیح است، و لیکن این صغری چیدن، و کبری نهادن، و نتیجه گرفتن را ول کنید! این قیاس و منطقی به درد شما می خورد، سلف صالح، همگی عادل بوده اند، و برای حفظ اسلام از آنها نباید خرده گرفت! اینست منطق مخالفان! اینست منطق ابن تیمیه، که صریحا می گویند، باید پا بر روی فهم گذارد، و عقل را مخدول و منکوب کرد، و کور کورانه از خلفای جور پیروی کرد.